روزنه

رئیس سیا در سفری نامعمول به روسیه رفت
رایزنی برای توافق با کرملین

• ویلیام برنز، مدیر سازمان سی‌آی‌ای، در سفری نامعمول از مسکو بازدید کرد و با مقامات روسیه درباره روابط ایالات متحده با این کشور به گفت‌وگو پرداخت. خبرگزاری رویترز از این رخداد به‌عنوان نشانه‌ای از تمایل طرفین برای برقراری تماس‌ها و گفت‌وگوها با وجود بی‌اعتمادی متقابل و مناقشات طولانی‌مدت یاد کرده است.

سخنگوی سفارت ایالات متحده اعلام کرد که برنز در رأس هیئتی متشکل از مقامات ارشد دولت آمریکا با مقامات روسیه گفت‌وگو کرده است. او عنوان کرد که این سفر به درخواست جو بایدن، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، انجام شده و مقامات آمریکایی در جریان آن با اعضای دولت روسیه درباره روابط دوجانبه و مسائل پیرامون آن گفت‌وگو کرده‌اند.

شورای امنیت ملی روسیه نیز اعلام کرد که برنز، سفیر سابق ایالات متحده در مسکو، با نیکولای پاتروشف، رئیس این شورا و نیز یکی از رؤسای سابق سرویس اطلاعاتی روسیه مذاکراتی داشته است.

هیچ‌کدام از طرفین درباره جزئیات این مذاکرات توضیحی نداده‌اند؛ اما روابط دو کشور سر پاره‌ای مسائل امنیتی تیره‌وتار شده است؛ از جمله حملات سایبری به ایالات متحده که واشنگتن آنها را به روسیه نسبت داده است یا حمایت روسیه از دولت بشار اسد در سوریه و نیز زندانی‌شدن آلکسی ناوالنی، سیاست‌مدار مخالف کرملین.

از زمان دیدار بایدن با همتای روسی‌اش، ولادیمیر پوتین، در ژنو این چهارمین سفر یک مقام ارشد آمریکایی به روسیه از ماه جولای به شمار می‌آید. این دیدارها با هدف به‌ثبات‌رساندن روابط آمریکا و روسیه که بر اثر رقابت‌ها در عرصه سایبری و مسائل ژئوپلیتیک متشنج شده، صورت می‌گیرد؛ اما مقام‌های دو کشور می‌گویند تاکنون هیچ پیشرفتی در مذاکرات حاصل نشده است. بایدن ماه گذشته ویکتوریا نولاند، معاون وزارت خارجه ایالات متحده را برای حل‌وفصل مناقشه‌ای که بر سر شمار دیپلمات‌های دو کشور در پایتخت‌های هم به وجود آمده است، به مسکو اعزام کرد؛ اما این سفر حاصلی نداشت.

فشار دموکرات‌ها به دولت بایدن برای پایان‌دادن به عملیات پهپادی
تغییر چهره عملیات «بر فراز افق»

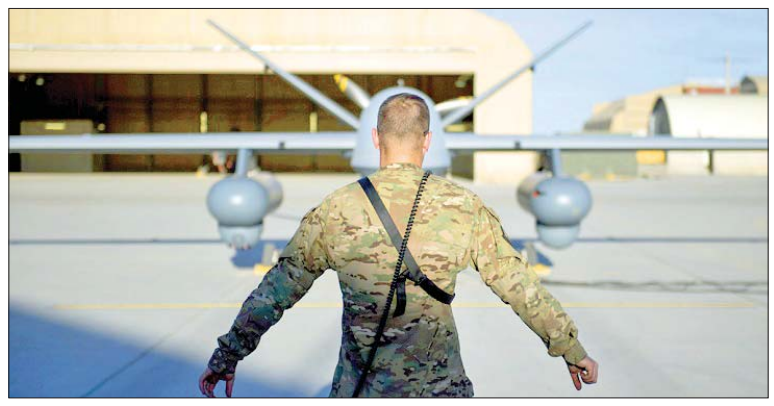

گشت‌زنی پهپادها در سال‌های اخیر در آسمان افغانستان امری عادی تلقی می‌شد، اما به‌ندرت پیش می‌آمد که این هواپیماهای بدون سرنشین در آسمان کابل ظاهر شوند. روز ۲۹ آگوست و زمانی که آمریکا سراسیمه نظامیان خود و بخشی از پناه‌جویان افغان را از فرودگاه پایتخت افغانستان خارج می‌کرد، یک هواپیمای بدون سرنشین، یک تویوتاکرولا سفیدرنگ را هدف قرار داد. پس از این حمله، ژنرال مارک مایلی، رئیس ستاد مشترک ارتش و بالاترین مقام نظامی آمریکا، این اقدام را یک حمله «عادلانه» خواند و پنتاگون مدعی شد حمله قریب‌الوقوع تروریست‌ها به نیروهای آمریکایی را خنثی کرده است؛ اما در واقع هیچ تروریستی در این حمله کشته نشده بود و هفت نفر از ۱۰ قربانی کودک بودند. جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا، خلاف برنامه باراک اوباما، سلف و دوست خود، نظامیان آمریکا را از افغانستان خارج کرد و اکنون مانند اوباما، با انتخاب گسترده‌ای برای استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین برای جایگزینی سربازان و خلبانان روبه‌رو است. بایدن از همان ابتدای ریاست‌جمهوری خود متعهد شده بود به عملیات‌های ضدتروریسم موسوم به «بر فراز افق» که عمدتا با استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین مسلح انجام می‌شوند، ادامه دهد. این عملیات در افغانستان و پس از خروج نظامیان آمریکایی از این کشور، برای تعقیب تروریست‌ها و در عین حال کاهش تلفات آمریکایی‌ها در جنگ علیه تروریسم شکل تازه‌ای پیدا خواهد کرد. بااین‌حال، همان‌طورکه تجربه اوباما و دونالد ترامپ جانشین او نشان می‌دهد، حملات پهپادها به‌سختی موفقیتی راهبردی را به اثبات رسانده است. آن‌طورکه «ساموئل موین»، استاد دانشگاه ییل، در کتاب اخیر خود با عنوان «انسانی» استدلال می‌کند، چنین تلاش‌هایی برای کاهش تلفات انسانی جنگ در عمل ممکن است پایان‌دادن به جنگ را دشوارتر و پرهزینه‌تر کند. به نظر می‌رسد استراتژی بایدن در استفاده از پهپادها تفاوت فاحشی با اسلاف او نداشته باشد. او می‌خواهد فرمول یک جنگ پایدارتر، اما نه الزاما کمترخشونت‌بار با تروریسم را اجرا کند. کاخ سفید و پنتاگون ماه‌هاست از کارآمدی جنگ «بر فراز افق» -که ظاهرا هدف‌گیری دقیق و مؤثر تروریست‌ها در کشورهایی است که ایالات متحده حضور نظامی درخور توجهی در آنجا ندارد- سخن می‌گویند. جو بایدن در ماه آگوست گفت: «تروریسم در سراسر جهان گسترش یافته است، اما توانایی‌هایی حتی فراتر از افق داریم تا آنها را به کیفر برسانیم». کارشناسان نظامی می‌گویند «جنگ بر فراز افق» در واقع تغییر نام تجاری عملیات پهپادی است که تقریبا۲۰ سال است در کشورهایی مانند لیبی، سومالی و یمن به کار گرفته شده است. این کارشناسان می‌گویند احتمال شکست این کمپین وجود دارد. «مارک گارلاسکو» که به مدت هفت سال در پنتاگون خدمت کرده و در جنگ عراق نیز حضور داشته است، می‌گوید: «این ایده که عملیات بر فراز افق همه مشکلات را حل می‌کند، خرافات مطلق است». «لوک هارتیگ» که به‌عنوان مدیر ارشد مبارزه با تروریسم در شورای امنیت ملی روی سیاست عملیات پهپادها در دولت اوباما کار می‌کرد نیز نسبت به موفقیت‌آمیزبودن چنین عملیاتی در تمام نقاط جهان تردید دارد و می‌گوید: «از زمانی که بحث درباره عملیات بر فراز افق به‌عنوان ابزاری مؤثر برای انجام حملات ضدتروریسم مطرح شد، نسبت به کارایی آن تردید داشتم. هنوز هم بعید می‌دانم چنین عملیاتی به تنهایی بتواند امنیت ملی آمریکا را تضمین کند و گروه‌هایی مانند القاعده و داعش شاخه خراسان را به عقب براند».

تغییر رویکرد نظامی

دولت بایدن به‌عنوان بخشی از بررسی‌های امنیتی در زمینه تغییر قوانین مربوط به استفاده از زور در دولت ترامپ، به‌طور مخفیانه محدودیت‌های موقتی را در استفاده از پهپادها و حملات کماندویی در خارج از مناطق جنگی همیشگی مانند افغانستان یا سوریه اعمال کرده است. این تغییرات در حالی در اولین روزهای ریاست‌جمهوری بایدن به اجرا گذاشته شد که دولت بایدن حضور گسترده آمریکا در خاورمیانه را مجددا ارزیابی می‌کند و کنگره نیز به دولت فشار می‌آورد که کنترل قدرت رئیس‌جمهور درمورد اقدامات جنگی را به دست بگیرد. در ماه‌های ابتدایی حضور بایدن در کاخ سفید که عملیات پهپادی به حداقل رسیده بود، ارتش و سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا برای حمله به مظنونان عملیات تروریستی در خارج از جبهه‌های معمول ایالات متحده، به مجوز مستقیم کاخ سفید نیاز داشتند و این درباره مناطقی همچون یمن و سومالی اعمال می‌شد. در دولت ترامپ، مقامات مسئول در این بخش، شخصا تصمیم می‌گرفتند که دستور چنین حملاتی را صادر کنند. شفافیت بیشتر داده‌های مربوط به آمار کشته‌شده‌ها و تلفات غیرنظامیان و همچنین استانداردهای جدید برای جلوگیری از تلفات غیرنظامی، ازجمله تغییراتی هستند که برای بازبینی‌های گسترده‌تر در نظر گرفته شده‌اند. «امیلی هورن»، سخنگوی شورای امنیت ملی می‌گوید: «این بررسی، مطالعه در رویکردهای پیشین در زمینه تهدیدات ضدتروریستی جهت اصلاح رویکردهای پیش‌رو را شامل می‌شود. به علاوه، اقدامات لازم برای شفاف‌سازی عملیات نیز به دقت مورد بررسی قرار خواهد گرفت». ایالات متحده در دو دهه‌ای که از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می‌گذرد و در چهار دولت از پهپادها و نیروهای ویژه استفاده کرده و افرادی مانند «انور العولقی»، شهروند آمریکایی تندرو را در یمن در سال ۲۰۱۱ به قتل رسانده است. دولت اوباما که بایدن معاون رئیس‌جمهور آن دولت بود، استفاده از حملات پهپادی را بسیار گسترش داد، اما بعد این رویکرد را به دقت مورد بررسی قرار داد، از جمله در سال ۲۰۱۳ با تشخیص اینکه هدف‌ها «تهدیدی مداوم و قریب‌الوقوع» برای مردم آمریکا هستند. پس از آن هم سیاست افشای تعداد کشته‌شده‌ها و میزان تلفات غیرنظامیان به مردم در سال ۲۰۱۶ که هر دو در دولت ترامپ لغو شده بودند. با اینکه کمتر از یک سال از عمر دولت بایدن می‌گذرد، سیاست‌های جنگی دولت بایدن تاکنون با تردید از سوی گروه‌های حقوق‌بشری و متحدان رئیس‌جمهور روبه‌رو شده است. اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا، در بیانیه‌ای در اعتراض به ادامه استفاده از پهپادها در دولت بایدن اعلام کرد: «بایدن وعده داد که برای همیشه به جنگ‌ها خاتمه دهد، اما با دستکاری در روند کاغذبازی این برنامه کشتار غیرقانونی تنها موجب سوءاستفاده‌های بیشتر آمریکایی‌ها خواهد شد. دو دهه است که رؤسای جمهوری ایالت متحده به نام مبارزه با تروریسم، مجوز کشتار غیرقانونی، مخفیانه و توجیه‌ناپذیر در خارج از کشور را صادر کرده‌اند». رئیس‌جمهوری آمریکا در ماه‌های گذشته چند تغییر عمده ایجاد کرده است؛ به‌ویژه در سیاست‌های ایالات متحده نسبت به جنگ در یمن بین ائتلاف کشورهای حاشیه خلیج فارس و حوثی‌ها. بایدن فروش اسلحه به عربستان سعودی را متوقف کرد و برای این جنگ تقریبا شش‌ساله فرستاده ویژه انتخاب کرد و در تلاش برای پایان‌دادن به جنگی که یکی از بدترین بحران‌های بشردوستانه در جهان را به همراه داشته، نام حوثی‌ها را از فهرست تروریست‌های جهانی که از طرف دولت ترامپ در آن قرار گرفته بود، حذف کرد. بااین‌حال، بایدن همچنان زیر ذره‌بین است؛ خصوصا پس از حملات ایالات متحده در اواخر فوریه امسال به اهداف شبه‌نظامیان در سوریه و پس از آن نیز عملیات ناکام در کابل افغانستان. این حملات که بدون مشورت با کنگره صورت گرفتند، موجب خشم برخی از نمایندگان عمدتا دموکرات شدند. «تیم کین»، سناتور دموکرات ویرجینیا و از اعضای گروه دو حزبی که به دنبال لغو مجوزهای قانونی اعطاشده به رئیس‌جمهور آمریکا در جنگ علیه تروریسم است، می‌گوید: «حملات هوایی در سوریه و افغانستان نشان می‌دهد که دولت آمریکا، صرف‌نظر از حزب، به گسترش قدرت جنگی خود ادامه خواهد داد».

رونق خرید پهپادهای نظامی از سوی اعراب

با آشکارشدن تأثیر سرنوشت‌ساز پهپاد در جنگ‌ها و نزاع‌ها، بسیاری از کشورها در سال‌های اخیر توجهی روزافزون به خرید پهپادها نشان داده‌اند. این وضعیت باعث شده کشورهای عربی منطقه نیز در پی تجهیز دستگاه نظامی خود به پهپادهای پیشرفته برآیند. قطر در ۲۹ اکتبر ۲۰۲۱ اعلام کرد پنتاگون با فروش پهپادهای پیشرفته در قراردادی به ارزش ۵۰۰ میلیون دلار به قطر موافقت کرده است. دوحه در سال گذشته مذاکرات خود با آمریکا برای خرید پهپادهای MQ-9 Rubber را آغاز کرده بود. این پهپاد پیشرفته‌تر از پهپادهای مدل پردیتور (Predator) است و می‌تواند مواد منفجره بیشتری را حمل کند. عربستان هم با همکاری آمریکا در حال تلاش برای تولید نسل تازه‌ای از پهپادهای پیشرفته است. این پروژه با همکاری مرکز ملک عبدالعزیز برای علوم و فناوری و شرکت آمریکا UAVOS اجرا می‌شود. این شرکت‌ها در پی تولید نسل تازه‌ای از پهپاد Saker هستند. این توافق‌نامه شامل طراحی جدید و افزایش امکانات این پهپاد است. این پهپاد در حال حاضر می‌تواند ۳۰ ساعت در ارتفاع ۲۳ هزار پا با سرعت ۱۱۰ گره هوایی پرواز کند. در ماه مارس گذشته هم رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، خبر داد که ریاض درخواست خرید پهپادهای بیرق‌دار را به ترکیه داده، اما عربستان این خبر را تأیید نکرد. امارات هم سومین کشور عربی است که در این مسیر تعدادی پهپاد وینگ‌لونگ-۱ از چین خریداری کرده که از آنها در جنگ یمن و لیبی استفاده کرده است. آمریکا نیز قراردادی برای فروش ۱۸ پهپاد MQ-9B با امارات امضا کرد که قرار است در نیمه دوم دهه جاری به امارات تحویل داده شود. از سوی دیگر، در آگوست ۲۰۲۱ نشریه اسرائیلی گلوبس خبر داد امارات برای زیر نظر قراردادن تأسیسات حساس خود از پهپادهای اسرائیلی Percepto استفاده کرده است. عمان و بحرین هم از سال ۲۰۱۹ میلادی شروع به سیاست‌گذاری در این زمینه کرده‌اند. نیروی مسلح سلطان‌نشین عمان مانند کویت از پهپاد استفاده نمی‌کند و استفاده از آن در آسمان عمان قوانین سخت‌گیرانه‌ای دارد. بحرین نیز در ژانویه ۲۰۲۱ هرگونه استفاده، پرواز، تولید، واردات، مونتاژ، دراختیارداشتن و خرید و فروش پهپاد را بدون مجوز وزارت کشور ممنوع اعلام کرد.

پیروزی بزرگ جمهوری‌خواهان در ایالت ویرجینیا
بایدن در مسیر شکست

گلن یانکین، نامزد جمهوری‌خواهان، موفق شد با پیروزی بر تری مک‌آولیف، دموکرات، فرماندار ویرجینیا شود. وینسوم سیرز، معاون فرماندار و جیسون میارس، دادستان کل ایالتی هم از حزب جمهوری‌خواه از سوی مردم در این انتخابات پیروز شدند. چنین پیروزی قاطعی برای حزب جمهوری‌خواه در ۱۲ سال گذشته در ایالت ویرجینیا بی‌سابقه بوده است. به گفته ناظران، نتیجه این انتخابات را می‌توان به‌عنوان همه‌پرسی درباره عملکرد جو بایدن در نظر گرفت که اکنون در پایین‌ترین سطح محبوبیت در نظرسنجی‌ها قرار دارد. کاملا هریس، معاون بایدن، چند روز پیش گفته بود آنچه در ویرجینیا رخ خواهد داد در انتخابات ۲۰۲۲ کنگره آمریکا و ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ تکرار خواهد شد. بایدن در انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری آمریکا با اختلاف ۱۰ درصد رقیب خود دونالد ترامپ را در ایالت ویرجینیا شکست داده بود، اما محبوبیت بایدن به خاطر افزایش تورم، آهنگ کند احیای اقتصادی، اختلاف با دموکرات‌های کنگره بر سر تصویب قوانین اقتصادی و نحوه خروج نظامی از افغانستان رو به کاهش گذاشته است. بر اساس آخرین نظرسنجی‌ها، تنها ۴۳ درصد از پاسخ‌دهندگان عملکرد بایدن را تأیید کرده‌اند. گلن یانکین ۵۴ساله، مدیر اجرائی یک شرکت سهامی خصوصی، هرگز سیاست‌مدار نبوده است و برای به‌دست‌آوردن رأی حومه‌نشینان شهری، موضوعاتی مانند نحوه رسیدگی به نژادپرستی در مدارس، مخالفت با الزامی‌بودن ماسک برای مقابله با کرونا در کلاس‌های درس و همچنین وضعیت اقتصادی را برجسته کرده بود. در هفته‌های منتهی به انتخابات، آرای یانکین در نظرسنجی‌ها افزایش یافت و با به‌دست‌آوردن جایگاه خود در میان رأی‌دهندگان مستقل و زنان، فاصله خود را با فرماندار سابق، تری مک‌آلیف کاهش داد. دونالد ترامپ از گلن یانکین حمایت کرده بود. هم‌زمان در بعضی از شهرها و ایالت‌های دیگر آمریکا هم انتخاباتی برگزار شده است. در ایالت نیوجرسی هم شمارش آرا بیانگر پیشتازی جک سیاتارلی، نامزد جمهوری‌خواه در رقابت با فیل مورفی، فرماندار دموکرات این ایالت است. در شهر مینیاپولیس هم شهروندان رأی‌دهنده در یک همه‌پرسی با انحلال اداره پلیس و جایگزینی اداره امنیت عمومی به جای آن مخالفت کردند. در نیویورک هم اریک ادامز که یک مأمور پلیس سابق است، توانست در انتخابات شهرداری، بیل د بلازیو، شهردار دموکرات را شکست دهد. در شهر دیربورن در ایالت میشیگان، عبدالله حمود از حزب دموکرات که لبنانی‌تبار است، به‌عنوان شهردار انتخاب شده است.

پیشتازی ترامپ در یک رقابت فرضی

از سوی دیگر، طبق نتایج یک نظرسنجی با همکاری دانشگاه هاروارد، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا در انتخابات مقدماتی فرضی درون‌حزبی ۲۰۲۴ برای انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور، نسبت به سایر جمهوری‌خواهان برتری دارد. به گزارش هیل، ترامپ در این رقابت فرضی از حمایت ۴۷درصدی رأی‌دهندگان جمهوری‌خواه و مستقل در انتخابات مقدماتی برخوردار است که ۳۷ درصد بالاتر از نزدیک‌ترین رقیب خود، ران دسانتیس است. دسانتیس، فرماندار فعلی فلوریدا، با ۱۰ درصد، در رتبه دوم قرار گرفت. هیچ رقیب دیگری از حمایت بالای ۱۰ درصد برخوردار نبوده و مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور سابق، با ۹ درصد در جایگاه سوم قرار گرفت. ۱۹ درصد از رأی‌دهندگان نیز گفتند که هنوز درباره کاندیدای مدنظر خود مطمئن نیستند.

ادامه از صفحه اول

شکایت از روحانی و تمسخر امر نظارت و داوری

اما نه‌تنها مورد توجه قرار نمی‌گیرد بلکه هرچه بیشتر نسبت به آن بی‌توجهی می‌شود. مسئله این است که فرایندهای نظارتی کشور ما به‌جای آنکه در جای درست و به شکل منطقی مورد استفاده قرار بگیرند، تبدیل به ابزار بازی‌های جناحی و حزبی شده‌اند. به همین دلیل است که به‌طور مثال شروع جمع‌آوری امضا برای استیضاح یک وزیر یا آغاز تحقیق‌وتفحص از یک موضوع خاص در مجلس، آن‌طورکه ۲۰ سال پیش دارای اهمیت بود و جلب توجه می‌کرد، امروز معنای خاصی ندارد. چراکه جامعه و ناظران سیاسی به تجربه آگاه شده‌اند که این دست اقدامات یک مانور سیاسی است تا به‌واسطه آن یا امتیازی توسط برخی کسب شود یا باعث زمینگیرکردن رقبای سیاسی و سقوط اعتبار آنها شود. ناگفته پیداست که در پس چنین نظارت یا شکایت‌هایی قرار نیست اتفاق خاصی بیفتد، پس چرا جامعه و ناظران سیاسی باید برای آن درجه‌ای از اعتبار و اهمیت قائل باشند؟ چنین وضعیتی ما را به جایی رسانده که جامعه روزبه‌روز بیشتر مطمئن می‌شود که فرایندهای نظارتی درخصوص بخش زیادی از نهادها و شخصیت‌ها چیزی بیشتر از یک نمایش و مانور سیاسی نیست و معنای این تصور درحال تقویت در ذهن مردم چیزی نیست جز کاهش اعتبار نهاده و فرایندهای نظارتی در کشور. فعلا از مجلس یازدهم با رویکرد خاصی که دارد امید چندانی برای تغییر و اصلاح این نگاه و مسیر نمی‌رود. به‌عبارتی به نظر می‌رسد مجلس با اطمینان از بررسی‌نشدن این دست شکایت‌ها به‌طور مستمر درحال تجدید آن است. درعین‌حال نیز تکرار مکرر این دست اقدامات نیز حیثیت عمومی روندهای قانونی نظارت و قضاوت در کشور را هدف قرار داده و به همین دلیل ضرورت توقف این دست اقدامات و اصلاح این مسیر اجتناب‌ناپذیر است. در چنین شرایطی انتظار منطقی و قانونی از دستگاه قضائی، خصوصا با تاکیداتی بر انجام اصلاحات در این سیستم وجود دارد این است که در عمل شکایت‌های واصل‌شده مجلس از دولت سابق را به جریان بیندازد و در محاکمی علنی آنها را بررسی کند تا به این شکل اگر تخلف یا جرمی توسط مقامات دولت قبل انجام‌شده در حد قصور خود پاسخ‌گو باشند و حتی مجازات شوند و اگر مجلس با هدف مانور سیاسی دست به این شکایت‌ها زده، از تکرار آن جلوگیری شود. ضمن اینکه باید یادآور شد که از نظر قانونی وظیفه دستگاه قضائی رسیدگی به این شکایت‌هاست و اگر هم موردی از آنها بدون رسیدی بایگانی شود، دستگاه قضائی ملزم به ارائه توضیح شفاف درباره آن است. خلاصه اینکه ادوار مختلف مجالس کشور ما به مرور وظیفه و ابزارهای نظارتی خود را تبدیل به یک اهرم فشار سیاسی کردند و حالا دستگاه قضائی بنا بر مجموع مسئولیت‌هایی که دارد موظف است اجازه ندهد فرایند دادرسی قضائی و مسائلی چون طرح شکایت نزد محاکم با اهداف سیاسی توسط برخی گروه‌ها به تمسخر گرفته شده و در نزد افکار عمومی یک فرایند صوری و بی‌خاصیت تصویر شود. اینکه در هشت ماه از رئیس دولت دوازدهم در این کشور شش شکایت انجام می‌شود اما افکار عمومی کوچک‌ترین اهمیتی برای آن قائل نیست یک زنگ خطر برای شائیت امور قضائی در کشور است.

ادامه از صفحه ۴

جرائم سایبری نفتی و مسئولیت دولت‌ها در قبال حملات سایبری

آنچه از مجموع مباحث به دست می‌آید، این است که تا زمانی که جامعه جهانی موفق به قاعده‌مندکردن فعالیت‌های دولت‌ها در فضای سایبر نشود، کنوانسیون جرائم سایبری مصوب ۲۰۰۱ شورای اروپا، جامع‌ترین سندی است که می‌تواند نقش یک الگو را در برخورد و واکنش نسبت به حملات سایبری بازی کند تا بتوان با رجوع به راهکارهای آن در این مسیر تاحدودی بر خلأها و چالش‌های حقوقی بین‌المللی موجود در این زمینه فائق آمد. در مقام نتیجه و پاسخ‌گویی مختصر به سؤالات مطرح‌شده درخصوص نحوه اقدام دولت در مراجع بین‌المللی درخصوص حمله سایبری به زیرساخت‌های نفتی کشور از طریق هک داده‌های پمپ بنزین‌ها باید گفت: اول- درخصوص حملات سایبری معاهده خاصی وجود ندارد اما می‌توان با تفسیر قواعد موجود، مبنایی برای مسئولیت دولت‌های مرتکب این حملات یافت. با تسری مقررات طرح‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل درخصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال منع‌نشده می‌توان این دولت‌ها را در قبال خسارات وارده مسئول شناخت. دوم- حمله به سیستم‌های رایانه‌ای تأسیسات نفتی کشور، برای دولت حمله‌کننده در صورت انتساب مسئولیت‌زاست و برای انتساب یک حمله سایبری به دولت، معیار کنترل کلی، معیار مناسب‌تری برای طرح دعوا در نظر گرفته می‌شود. سوم- امکان دفاع مشروع در قبال این حمله تروریستی با شناسایی و اقدام فوری حمله‌کننده در صورت وجود شرایط آن وجود دارد. چهارم- چنانچه اثرات ناشی از حمله سایبری، موجب واردآمدن صدمه به منافع و حقوق دولت‌هایی غیر از دولت هدف کشور ایران حمله خاصه کشورهای صادرشونده بنزین شود، می‌توان آنها را هم ذی‌نفع و محق در طرح دعوای مسئولیت دانست که ان‌شاءالله با شناسایی، توصیف و... با اقدام‌فوری و متقابل از راه‌های مقتضی حقوقی و دفاع مشروع نسبت‌به پاسخ‌گویی آن اقدام شود.